

## جاودان خرد

• حمیدرضا پیغمبری  
دانشجوی دکتری تاریخ باستان دانشگاه تهران



- خردنامه‌های ایران باستان: ترجمه‌ای ساده و روان از متن عربی الحکمه خالده
- بهروز ثروتیان
- ویراستار: علیرضا قوجه زاده
- تهران، مهتاب، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۱۷۹

### درباره‌ی مترجم

بهروز ثروتیان، پژوهشگر ادبی متولد ۱۳۱۶ میان‌دوآب آذربایجان، دارای مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران ۱۳۵۴ و دارای سابقه‌ی تدریس در دانشگاه‌های تبریز و آزاد کرج است. برخی از آثار او عبارتند از: تصحیح و شرح آثار نظامی (۶جلد)، فرهنگ اطلاعات نفایس الفنون، فر در شاهنامه، تصحیح جاودان خرد، طنز و رمز در الهی‌نامه، بازنویسی آثار نظامی برای جوانان (۶ جلد)، رؤیای عشق در مثنوی گل و نورو، گزیده مخزن الاسرار، ترجمه حیدربابایه سلام، اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای، نقش بیان در آفرینش خیال، ترجمه‌ی حافظ به شعر ترکی آذری. پایان‌نامه‌ی ایشان در مقطع فوق لیسانس «بررسی فر در شاهنامه فردوسی» از سوی کمیته‌ی استادان دانشگاه تبریز چاپ و منتشر شد. هم‌چنین رساله‌ی وی در مقطع دکتری، تصحیح «جاودان خرد» ترجمه‌ی الحکمه الخالده زیر نظر استاد مهدی محقق بود که با همکاری شعبه اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا در تهران به چاپ رسید. تصحیح و شرح آثار نظامی گنجه‌ای و حافظ شیرازی، زمینه‌های اصلی پژوهش‌های ایشان بوده است.

### درباره‌ی این کتاب

ثروتیان در این کتاب به ترجمه‌ی متن عربی بخش حکم ایرانیان جاویدان خرد مسکویه رازی پرداخته است. از این رو این کتاب یک اثر تألیفی نیست و برخلاف انتظار در مورد متون ترجمه شده نیز بحث درخوری نشده است. خود ایشان پیشنهاد می‌کنند که مثلاً سخنان آذرباد مارسپندان حکیم ایرانی را در متن عربی با متن موجود پهلوی که به اشتباه متن اصلی دانسته‌اند، قیاس باید کرد اما به اشاره‌ای کم و ذکر تنها چند بند از ترجمه‌ی فارسی متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی متن عربی بسنده کرده‌اند. البته تحقیق و تطبیق این متون پیش‌تر انجام شده است، از جمله پایان‌نامه‌ی فرح زاهدی در دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۶.

در این ترجمه، به منظور نظم‌دهی بیشتر به اندرزها، وصیت‌نامه‌ی هوشنگ از درون مقدمه‌ی مسکویه به ابتدای «آداب الفرس» منتقل شده است. به همین دلیل است که متن عربی این بخش با اندرزهای آذرباد شروع شده است.

### درباره‌ی خردنامه‌ها

چنان‌که اشاره کردیم برخلاف انتظار خوانندگان، آقای ثروتیان به تعریف و نشان دادن جایگاه و اهمیت خردنامه و اندرزنامه در ادبیات کهن ایران زمین نپرداخته‌اند. یکی از پرسش‌هایی که در این زمینه می‌تواند وجود داشته باشد این است که چگونه از هوشنگ، شاه پیشدادی - حتی اگر هم زمانی وجود خارجی داشته است - چنین متنی موجود است در حالی که درباره‌ی شاهان واقعی جدیدتر به ندرت این اتفاق افتاده است؟

اساساً در این‌جا بحث درباره‌ی وجود ادبیات شفاهی و زمان پیدایش سنت نگارش در ایران نیست؛ بلکه بحث از این است که در اندیشه‌ی ایرانشهری هوشنگ دارای چه جایگاهی است؟

در اساطیر ایرانی هوشنگ نخستین شاه پیشداد یعنی قانونگذار نخستین است از این‌رو است که اندرزهایی را به او نسبت می‌دهند. برای آن‌که اهمیت ویژه‌ای داشته و نظر به جایگاه و اهمیت وی تأثیری در اقناع خوانندگان که مخاطبان اندرزها هستند دارد. این مسأله درباره‌ی انوشیروان پادشاه ساسانی هم بی‌شک صادق است. مترجم در مقدمه چنین آورده است که به خاطر تأثیر عمیق پندهای دینی بوده است که اندرزهای شاهان و خسروان با گذشت زمان رنگ حکومتی خود را از دست داده و شکل مذهبی به خود می‌گیرد و نظایر پندهای انوشیروان و مارکوس اورلیوس با مفاهیم معنوی دینی توجیه و تفسیر می‌شود.

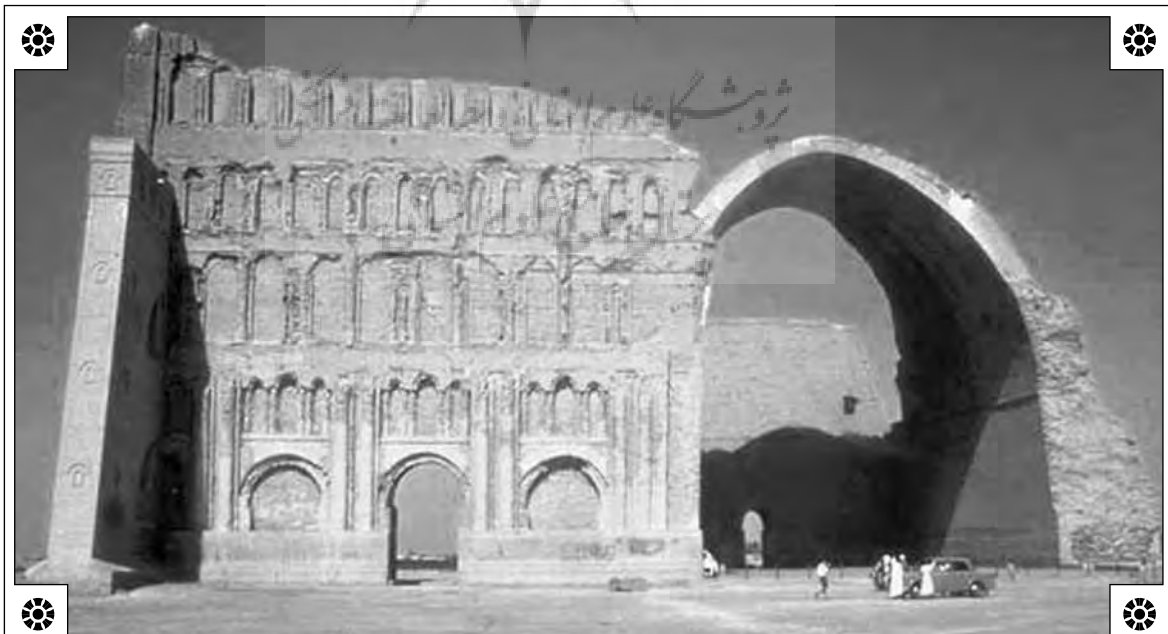
در این باره باید خاطر نشان کرد که انوشیروان در اندیشه‌ی ایرانشهری و نزد اندرزنامه‌نویسان ایران پس از اسلام، مانند غزالی و خواجه نظام‌الملک الگوی یک فرمانروای عادل بوده است. این که در این متون تنها اندرزهایی دینی از وی نقل شده است در نتیجه‌ی خصلت آموزشی این متون است که مورد استفاده‌ی موبدان بوده است. چنان‌که می‌دانیم این متون حاصل جمع‌آوری و بازنویسی ایرانیان به‌ویژه اقلیت زردشتی در سده‌های اولیه‌ی

اسلامی هستند و لاجرم تحت تأثیر برداشت‌ها و نیازهای این زمان قرار گرفته‌اند. البته در این متون توصیه به دینداری و خردورزی سرلوحه‌ی کار بوده است، از این رو استفاده از واژه‌ی خردنامه به جای اندرزنامه برای این متون اشکالی ندارد. این‌گونه از آثار را ایرانیان باستان اندرزنامه می‌نامیدند و نگارش این‌گونه‌ی ادبی در تاریخ ایران سنتی مستمر بوده است. اندرزنامه‌ها به جهت اشمال بر مسائل اندیشه‌ی سیاسی دارای اهمیت خاصی هستند. درباره‌ی مارکوس اورلیوس نیز باید گفت که این امپراتور فیلسوف روم باستان که به‌زعم برخی صاحب‌نظران، تنها کسی است که با اندیشه‌ی فلسفی حکمرانی کرده است، تأملات خود را بر اساس اندیشه‌ی رواقی‌اش نگاشته است و سخنانش دید او را نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کرد، نشان می‌دهد.

مترجم در ادامه‌ی سخنان خود به درستی افزوده است که «مطالعه و بررسی و انتقاد اندرزنامه‌ها و تعیین ارزش همه‌جانبه‌ی آن‌ها یکی از مواد لازم شاخه‌های وسیع تحقیقات ادبی و فلسفی و علوم اجتماعی به نظر می‌رسد... کلمات قصار، مباحث دینی، اندرزهای شاهان، مناجات عارفان، مزاح‌ها و طنزهای اهل قلم و حتی ضرب‌المثل‌های عامیانه هر یک تحت شرایط خاصی به وجود آمده‌اند که نه تنها محتوای آن‌ها، بلکه طرز ادای سخنان نیز برای بیان حدود تلاش‌های فکری ملت‌ها و آزادی‌های اجتماعی و تعیین فرهنگ عمومی یک جامعه مساعدت می‌کند.» (ص ۲۰)

### درباره‌ی کتاب جاویدان خرد

مسکویه در مقدمه آورده است این کتاب را که در اصل اندرزهای هوشنگ پادشاه است در نزد موبدان موبد فارس یافته است و آن‌گاه آن را همان‌گونه که هست نوشته و سپس حکمت‌هایی را از چهار ملت فارس، هند، عرب و روم برگزیده و به آن افزوده است. باید گفت که یک متن عربی از این



طاق کسری - تالار دادگه

نسخه‌های عربی موجود وجود داشته است، ناچار تفاوت‌هایی نیز در کلمات و جملات ترجمه‌های موجود دیده می‌شود و شاید تطبیق همه‌ی آن‌ها ممکن نباشد. آقای ثروتیان در ترجمه‌ی خود اشاره‌هایی به این تفاوت‌ها و ضبط‌های مختلف کرده‌اند. این که بخش‌هایی از متن‌های موجود در جاویدان خرد از نسخه‌هایی به زبان و خط پهلوی موجود است، در نظر اول می‌تواند راه‌گشای محقق برای یافتن اصل متن باشد. اما این امر به چند دلیل ممکن نیست: نخست آن که همه‌ی این منابع از متنی اصلی نسخه‌برداری شده‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توان مینا قرار داد مگر این که تلاش شود اساس بر اشتراکات گذاشته شود. دوم این که هر کدام از این متون براساس داشته‌های زبانی و درکی که گذرانندگان از مفاهیم داشته‌اند، به نگارش درآمده‌اند. متن‌های موجود به زبان پهلوی رنگ زردشتی دارند و گونه‌های عربی و فارسی رنگ و بوی اسلامی به متن داده‌اند. متن منقول در شاهنامه نیز علی‌رغم وفاداری به گزارش متن، ناچار تغییراتی در متن داده است. ابتدا یک نمونه از این اندرزاها را در منابع مختلف مقایسه می‌کنیم: متن عربی: «لا تأسفن علی مافاتک من الشراء فان المال شبيه بطائر ينتقل من نشز الی نشز: فهو سمنذ اقباله سریع الاقبال، و عند ادباره حیثی الانتقال» (بدوی ص ۲۷).

ترجمه‌ی قزوینی: «غم مخور بر ثروتی که از تو فایت شود که مثل مال، مرغی پرنده است از کوهی به کوهی که روی چون روی به تو آرد، فرود آید و چون برگردد، زود برگردد». (دانش پژوه ص ۲۶). ترجمه‌ی شوشتری: «بر فوت آن چه از تو رفته و فوت شده است، از مال و توانگری تأسف نخوری؛ زیرا که مانند و شبیه است به مرغ پرنده‌ای که نقل می‌کند هر روز و می‌رود هر دم از بلندی به بلندی و از جایی به جایی و در یک مکان نمی‌ایستد، پس باید دانست که مال نزد آمدنش زودآی است و نزد رفتنش زودرو است» (ص ۴۹).

ترجمه‌ی ثروتیان: «اگر دارایی شما از دست برود غمگین نشوید که مال دنیا هم چون پرنده ایست که از یک جای بلند به یک جای بلند دیگری می‌پرد و هم چنان که تند و زود می‌آید با شتاب نیز می‌پرد و می‌رود» (ص ۶۷). ملاحظه می‌شود که هیچ‌کدام از ترجمه‌ها دقیق نیستند ولی علیرغم تفاوت‌هایی در بیان مطلب، همگی معنای مورد نظر را می‌رسانند. ترجمه‌ی آقای ثروتیان بیان ساده‌تری از ترجمه‌های دیگر دارد. این عبارت در متن پهلوی چنین آمده است:

pad xwāstag ud xīr ī gētīg wistāx mabāš čē xwāstag ud  
xīr ī gētīg ōwōn hamānāg čīyōn murw-ē kē az ēn draxt ō ān  
»draxt nišīnēd ud pad ēč draxt nē pāyed  
(اندرز آذربادمارسپندان بند ۸۹).

(به خواسته و خیر گیتی گستاخ مباح، چه خواسته و خیر گیتی همانند مرغی است که از این درخت به آن درخت نشیند و به هیچ درخت نیاید.) (عریان ص ۱۰۵).

نکته‌ای که از این مقایسه‌ی متون به نظر می‌رسد، این است که مترجم سعی کرده جملات را جالب و جذاب کند و البته موفق شده جملات زیبایی بسازد. برای نمونه:

متن عربی: «یا بنی! اقتصد فی القرى تکن مضیفا، و تمسک بالقنعا، تکن رخی البال ...» (بدای ص ۲۶)



نقش خسرو انوشیروان در شکارگاه

کتاب با تصحیح عبدالرحمن بدوی موجود است. مصحح متن عربی چنانکه استاد شادروان محمد تقی دانش پژوه متذکر شده‌اند، برای این که این اثر را در شمار آثار عربی درآورد، آن را الحکمه الخالده نامیده است. یعنی نام فارسی جاویدان خرد را که در روی تمام نسخ متن موجود است، به عربی برگردانده. از سراسر متن چند ترجمه به فارسی موجود است. یکی از تقی الدین محمد شوشتری که در قرن ۱۱ و در هندوستان انجام شده است. دیگری ترجمه‌ی شرف الملّه والدین عثمان بن ابی الوفاین محمد قزوینی که در عصر ابوبکر بن سعد زنگی به قرن ۷ در شیراز انجام شده و به کوشش استاد دانش پژوه چاپ شده است. به علاوه، از بخش حکمت ایرانیان یک نسخه‌ی چاپ سنگی با عنوان انتخاب شایسته با تصحیح مانک‌جی پارس درویش‌خانی پور لیمجی هوشنگ هاتریا و یک متن با عنوان جاویدان خرد پند از هوشنگ شاه پیشداد با ترجمه و تألیف سیدمحمد کاظم امام وجود دارد.

#### درباره‌ی ترجمه‌ی حاضر

در کتاب خردنامه‌های ایران باستان، مترجم با حوصله و دقت بسیار همه‌ی اختلافات متن‌های مذکور و درستی و نادرستی آن‌ها را بررسی کرده است. گفتنی است که مترجمان قدیم به سبک منشیان و اهل قلم روزگار خود به گسترش و گزارش پرداختند و اهمیت ترجمه‌ی جدید این متن می‌توانست خالی بودن از این ویژگی‌ها باشد. اما چنانکه خواهیم گفت این اتفاق صورت نپذیرفته است.

همچنان که مترجم خود در شرح داستان‌هایی که منجر به نوشتن این ترجمه شده است، می‌گوید، این ترجمه را بنا به درخواست یکی از دوستان خود به زبان ساده و برای علاقمندان نوشته و سعی کرده است از هرگونه تحقیق و توزیع و تطبیق خودداری کند. (ص ۳۰)

در این جا برای سنجیدن و نشان دادن مزایا و معایب این ترجمه به بررسی و مقایسه چند مورد از جملات متن عربی، ترجمه‌های فارسی موجود و متن ترجمه‌ی حاضر می‌پردازیم و هر جا که نیاز باشد به متن پهلوی قسمت‌های موجود نیز رجوع می‌کنیم. گفتنی است که در اثر تفاوت‌هایی که در

یکی از معایب کتاب حاضر وجود افتادگی‌ها و غلط‌های تایپی است. در زیر چند نمونه را یادآوری می‌کنیم:

در ابتدای اندرزهای هوشنگ به دنبال «افضل ما قال کلمه التوحید»، عبارت «راس الیقین المعرفه بالله» ترجمه نشده است. در جای دیگری در متن، ادامه‌ی جمله افتاده است: «پرسیدند نشانه دانشمند بودن چیست؟» [بقیه‌ی جمله نیامده است] (ص ۹۵).

ایستان ← اپستان یا اپستام *apastām* (ص ۱۱)؛ بندنامه‌ها ← پندنامه‌ها (ص ۱۸)؛ گانوماتا ← گوتاما (ص ۱۹)؛ پادشان ← پادشاهان (ص ۴۸)؛ کزیند ← گزیند (ص ۵۳)؛ شاسته ← شایسته (ص ۹۴)؛ درامن ← در امنیت (ص ۱۷۲).

نکته‌ی آخر استفاده از کلمات نامأنوس است. مانند: صلف (ص ۱۲۰)، تنکیل (ص ۱۴۶)، حقد (ص ۱۷۷)، نیستیم ما در کد کردن [؟] (ص ۲۳).

#### نتیجه

مترجم حاضر اندرزهای هوشنگ پیشدادی و دیگر حکمت‌های مربوط به مردم فارس موجود در کتاب جاویدان خرد مسکویه را برگزیده و ترجمه کرده است و بر آن‌ها نام خردنامه‌های ایران باستان گذاشته‌اند و خردنامه به جهت محوریت داشتن خرد برای این متون نام مناسبی است.

ترجمه‌ی آقای ثروتیان به اصلاح ضعف‌هایی که در ترجمه‌های دیگر جاویدان خرد موجود است نپرداخته است، اما دارای مزایایی است. از جمله سادگی و قابل فهم بودن. در نتیجه مخاطبان بیشتری می‌توانند از این متن به جای متن اصلی و دیگر ترجمه‌ها استفاده کنند. در عین حال، آزاد بودن ترجمه‌ی آن یکی از معایب این کتاب است و نهایتاً پژوهشگرانی که به‌طور تخصصی از این متن مهم استفاده خواهند کرد از مراجعه به متن عربی و ترجمه‌های دیگر بی‌نیاز نخواهند بود.

#### منابع

- ۱- امام، سیدمحمدکاظم، جاویدان خرد، پند از هوشنگ شاه پیشداد به روایت ابن مسکویه رازی، بوذرجمهری، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، سخن، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- رجایی، فرهنگ، معرکه جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، احیای کتاب، ۱۳۷۶.
- ۴- قادری، حاتم، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، سمت، چاپ دوم تهران، ۱۳۷۹.
- ۵- قزوینی، شرف‌الدین عثمان بن محمد، ترجمه جاویدان خرد مسکویه رازی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ۶- متون پهلوی، گردآورنده جاماسب جی جاماسب آسانا، گزارش سعید عربان، کتابخانه ملی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۷- مسکویه، احمدبن محمد، الحکمه الخالده، حقیقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، مکتبه النهضه المصریه، قاهره، ۱۹۵۲.
- ۸- مسکویه، احمدبن محمد، جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد شوشتری، به اهتمام بهروز ثروتیان، دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.

ترجمه‌ی قزوینی: «فرزند خود را گفت: درمهمانی اعتدال نگه دار تا پیوسته مهمان‌کننده باشی و به عروسی قناعت تمسک نمای تا از رنج‌های دل ایمن باشی». (تصحیح دانش پژوه ص ۲۵)

ترجمه‌ی شوشتری: «ای پسر من، میانه‌روی کن در مهمانی کردن‌ها تا مهمان‌دار باشی یعنی مردم به جهت مهمان شدن نزد تو آیند و روند دست بر قناعت محکم زن تا فارغ‌دل باشی از فکر کم و زیاد دنیا». (تصحیح ثروتیان ص ۴۷)

ترجمه‌ی حاضر: «فرزندم! در مهمان کردن‌ها میانه‌روی کن تا همیشه بتوانی مهمان‌پذیر باشی. بر قناعت چنگ بزنی تا با آسودگی خیال در فراخی زندگی بکنی». (ص ۶۳)

در این‌جا ملاحظه می‌شود که ترجمه‌ی ثروتیان زیباتر و صحیح‌تر است. ناگفته نماند این قسمت در متن پهلوی موجود نیست.

در متن عربی به جای خویشکاری (*xwēš-kārīh*) از واژه‌ی عمل استفاده شده است و مترجم هم آن‌را کار ترجمه کرده است در صورتی که بهتر می‌بود از همان واژه‌ی خویش‌کاری که معنای درست‌تری دارد استفاده می‌شد:

متن پهلوی:

« *xwēš-kārīh ī dēn tan azn wināh pul ud kirbag mīzd āgāhānīdan ud pand ristag ī yazdān az ānī dēwān yudag* »  
»dāštan

(یادگار بزرگمهر بند ۵۰)

(خویشکاری دین آگاهانیدن تن از جزای گناه و پاداش کرفه و پند و روش یزدان از آن دیوان جدا داشتن است). (عربان ص ۱۲۹).

ترجمه‌ی عربی:

«عمل الدین اختیارسیبیل الرشد علی سبیل النی و توطین النفس علی ان من یعمل خیرا یجز به». (ص ۲۲).

ترجمه‌ی حاضر:

«و کار دین عبارتست از برگزیدن راه کمال و شناخت آن از بدراهی، و آگاهی از این که کار خیر به خود وی باز می‌گردد». (ص ۷۷).

نکته‌ی دیگر این که مترجم در جاهایی بر همان روش مترجمان قدیم رفته است و به گزارش و گسترش پرداخته است. مثلاً جایی که هدف بزرگمهر از نوشتن وصیتش آمده است، سعی دارد منظور را کامل کند:

متن عربی: «فکان مارجوت بقاءه احرفا کتبه‌ها فی هذا الکتاب عملی طریق المسالّه و الجواب» (ص ۳۰).

ترجمه‌ی ثروتیان: «برهمن نظر هر آن‌چه را که به ماندگاری آن عقیده‌مند بودم، به صورت پرسش و پاسخ فراهم آوردم و در این دفتر نوشتم تا برای آیندگان بماند و رفتار و کردار و جهان‌بینی ایشان را بیاراید و به سامان برساند» (ص ۷۲).

در جاهایی از متن مترجم اشتباهاتی کرده است. مثلاً برای متن پهلوی واژه‌ی «نه زیوندک» را آورده که کاملاً اشتباه است (*nēziyand*) (ص ۱۱). استفاده از خدایان به معنای شاهان و صاحبان نیز اکنون رایج نیست (ص ۱۱).

در متن یک‌جا از واژه‌ی شهریار استفاده شده که در نظر خواننده متن معلوم نیست که بمعنای شاه است یا یک نام است ص ۱۲۹).